

تحلیل عملکرد سند چشم‌انداز و نقش آن در تحقق اهداف الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت: با تأکید بر چالش‌ها، الزامات و فرصت‌ها

حجت ایزدخواستی^۱

چکیده

سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به عنوان بالاترین سند برنامه‌ای کشور به دنبال فراهم کردن زمینه پیشرفت همه جانبه متناسب با شرایط ایرانی - اسلامی است. در ذیل این سند، سند چشم‌انداز به منظور دستیابی به وضعیت مطلوب در شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی در افق سال ۱۴۰۴ تدوین شده است و سیاست‌های کلی آن مبنای تنظیم سیاست‌های کلی چهار برنامه پنج ساله توسعه قرار گرفته است. بنابراین، اگرچه در سند چشم‌انداز ارتقاء قدرت و توان تولید با ویژگی‌های رشد پرشتاب و مستمر، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، برخورداری از دانش پیشرفته، توانایی در علم و فناوری، سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی و تعامل سازنده و مؤثر با جهان مورد تأکید قرار گرفته است، اما این امر به عنوان پیش‌نیازهای ضروری الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت محسوب می‌شود. نتایج حاصل از تحلیل مقایسه‌ای عملکرد اقتصادی ایران در دوره ده ساله اول (۲۰۱۵-۲۰۰۵) در مقایسه با رقبای اصلی خود در سند چشم‌انداز، بیانگر این است که علی‌رغم صرف وقت و منابع فراوان، نتوانسته اهداف مورد نظر را محقق سازد. در بررسی انجام شده، اگرچه جایگاه ایران نسبت به سال شروع اجرای سند چشم‌انداز در مقایسه با رقبای اصلی خود، در حوزه توزیع درآمد و اندازه دولت نسبتاً بهتر شده است؛ اما در زمینه تولید، اشتغال، تورم، تجارت خارجی، رقابت‌پذیری و وضعیت محیط کسب و کار جایگاه پایین‌تری داشته است.

واژه‌های کلیدی: الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، سند چشم‌انداز، برنامه‌های توسعه، ایران

۱- مقدمه

تدوین سند چشم‌انداز به عنوان پیش‌نیاز ضروری الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، به منظور دستیابی به وضعیت مطلوب در شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی تدوین است تا زمینه پیشرفت همه جانبه متناسب با شرایط ایرانی - اسلامی فراهم شود. بر این اساس، سند چشم‌انداز به دنبال ترسیم وضعیت آرمانی ایران در قالب شاخص‌های کمی و کیفی است و ضروری است تا میزان دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز، در مقایسه با وضعیت پیشرفت سایر کشورهای منطقه مورد ارزیابی قرار گیرد. سند چشم - انداز بیست ساله، سندی با هویت ایرانی - اسلامی است که جمهوری اسلامی ایران را در افق ۱۴۰۴

^۱. استادیار اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی Email: h_izadkhasti@sbu.ac.ir

کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی^۱ معرفی کرده است، تا الهام بخش در جهان اسلام و دارای تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل باشد. بر این اساس، هدف سند چشم انداز و سیاست های کلی چهار برنامه توسعه، ارتقاء قدرت و توان تولید اقتصاد کشور با ویژگی های رشد پرشتاب و مستمر، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه با تأکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم، برخورداری از دانش پیشرفته، توانایی در علم و فناوری، سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی و تعامل سازنده و مؤثر با جهان توصیف شده است. **مقایسه آماری شاخص های کلان اقتصادی ایران در دوره ده ساله اول (۲۰۱۵-۲۰۰۵) با کشورهای سند چشم انداز در منطقه آسیای جنوب غربی نشان می دهد که فاصله زیادی تا رسیدن به جایگاه اول در منطقه وجود دارد و باید در راستای رسیدن به اهداف تعیین شده، استراتژی اقتصادی کشور تغییر کند.** بنابراین، ادامه روند گذشته در افق های میان مدت و بلندمدت، اقتصاد ایران را با چالش ها و آسیب پذیری های اقتصادی و اجتماعی و عدم توازن های سخت و شکننده ای روبه رو خواهد ساخت و برای مواجهه و مقابله با آن و تحقق اهداف سند چشم انداز و دستیافتن به جایگاه اول منطقه، ناگزیر باید ترکیب، دینامیسم و استراتژی رشد اقتصادی ایران تغییر یابد. بنابراین، تسریع و استمرار آهنگ رشد اقتصادی نیازمند اصلاح برنامه ریزی های نامناسب داخلی و یا عدم پایبندی به اجرای برنامه های مصوب است.

در این راستا، هدف اصلی این پژوهش، تحلیل عملکرد سند چشم انداز ایران در مقایسه با رقبای اصلی در منطقه و نقش آن در تحقق اهداف الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت است. در این رابطه، سؤال اصلی این است که چالش ها، الزامات و فرصت های سند چشم انداز چیست و چه نقشی در تحقق اهداف الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت دارد؟.

در ادامه در در بخش دوم، به بیان اهداف و عملکرد سند چشم انداز ج.ا. ایران پرداخته می شود. در بخش سوم، چالش های فراروی تحقق اهداف سند چشم انداز بیان می شود. در بخش چهارم، فرصت ها و الزامات فراروی تحقق اهداف سند چشم انداز مورد بررسی قرار می گیرد. در نهایت، نتیجه گیری و پیشنهادات سیاستی صورت می گیرد.

۲- اهداف و عملکرد سند چشم انداز ج.ا. ایران

۲-۱- اهداف سند چشم انداز

نیل به اهداف سند چشم انداز به عنوان پیش نیازهای ضروری الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در پرتو تدبیر، تلاش و انسجام ملی قابل حصول است. بنابراین، برای دستیابی به اهداف سند چشم انداز و

^۱. کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا شامل ۲۵ کشور عربستان، امارات متحده عربی، بحرین، کویت، عمان، قطر و یمن در حوزه خلیج فارس؛ ایران، ترکیه، عراق، سوریه، فلسطین اشغالی، رژیم اشغالگر قدس، اردن و مصر در حوزه خاورمیانه مرکزی؛ ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان در حوزه آسیای مرکزی؛ آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در حوزه قفقاز و افغانستان و پاکستان در حوزه غربی شبه قاره هند هستند.

کاهش فاصله‌های موجود و هدف‌گذاری شده، نیازمند الزاماتی در سطح سیاست‌گذاری‌ها است. عملکرد ۱۰ ساله اقتصاد ایران، در بسیاری از شاخص‌ها دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز را بسیار دشوار کرده است. اهداف سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، برخورداری از دانش پیشرفته، توانایی در علم و فناوری، سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی و تعامل سازنده و مؤثر با جهان مورد تأکید قرار گرفته است. محورهای اقتصادی این سند عبارتند از^۱:

- ۱- جامعه‌ای توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود؛
- ۲- جامعه‌ای برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع متناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده و به دور از فقر، فساد و تبعیض؛
- ۳- جامعه‌ای برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی و مفتخر به ایرانی بودن با جامعه‌ای اخلاقی؛

- ۴- جامعه‌ای برخوردار از دانش پیشرفته، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی ملی؛
- ۵- دستیابی به قدرت اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری، تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

با توجه به اینکه در منطقه جنوب غرب آسیا، ترکیه در سند چشم‌انداز خود در سال ۲۰۲۳ و عربستان در سال ۲۰۲۵ به عنوان رقبای اصلی ایران^۲، به ترتیب هدف خود را تحقق تولید ۲۲۰۰ و ۱۵۰۰ میلیارد دلار قرار داده‌اند، چنانچه ایران به دنبال کسب جایگاه اول اقتصادی در منطقه جنوب غرب آسیا است، باید تولید ناخالص داخلی خود را به عنوان شاخص قدرت اقتصادی در افق ۱۴۰۴ ه.ش (۲۰۲۵ م) بالغ بر ۲۰۰۰ میلیارد دلار برساند و در زمره ۱۰ اقتصاد برتر جهان قرار گیرد. همچنین، در جهت بهبود وضعیت رفاهی، درآمد سرانه خود را به ۲۵ هزار دلار برساند. در راستای کاهش شکاف طبقاتی، ضریب جینی نیز باید به ۰/۳۵ کاهش یابد. همچنین، باید نرخ بیکاری و تورم به ۵ درصد کاهش یابند. در حوزه تجارت نیز باید نسبت صادرات کالاها و خدمات به تولید ناخالص داخلی به ۳۰ درصد برسد. در زمینه مالیات‌ها نیز باید نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی حداقل به ۱۵ درصد افزایش یابد. در جدول (۱)، اهداف اقتصادی ایران در افق سند چشم‌انداز در مقایسه با کشورهای اصلی رقیب ایران مقایسه شده است.

^۱ .مراجعه شود به: سند چشم‌انداز ۲۰ ساله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

^۲ . ترکیه بعد از فروپاشی حکومت عثمانی در سال ۱۹۲۳، رسمیت پیدا کرده است و در سال ۲۰۰۲، نسبت به تدوین سند چشم‌انداز برای افق سال ۲۰۲۳ که زمان یکصد سالگی کشور ترکیه می باشد، اقدام کرده است. سند چشم‌انداز عربستان سعودی برای افق سال ۲۰۲۵ تدوین شده است. این سند حول پنج محور، متنوع‌سازی اقتصادی، توسعه منابع انسانی، توسعه خدمات عمومی، توسعه بخش خصوصی و مدرن سازی ساختار حکمرانی طراحی شده است.

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

جدول (۱)، اهداف اقتصادی ایران در سند چشم‌انداز در مقایسه با رقبای اصلی خود در منطقه جنوب غرب آسیا

کشور	ترکیه افق ۲۰۲۳	عربستان افق ۲۰۲۵	ایران افق ۲۰۲۵
شاخص			
نرخ رشد اقتصادی (درصد)	۷	۶/۶	۸
تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری (میلیارد دلار)	۲۲۰۰	۱۵۰۰	۲۰۰۰
درآمد سرانه (دلار)	۲۵۰۰۰	۲۶۰۰۰	۲۵۰۰۰
نرخ بیکاری (درصد)	۵	۰	۵
نرخ تورم (درصد)	۵	۵	۵
درآمدهای مالیاتی (%GDP)	۲۰	-	۱۵-۲۰
صادرات کالاها و خدمات (%GDP)	۳۰	۶۰	۳۰-۴۰
رشد بهره‌وری کل عوامل تولید (درصد)	۲	-	۲/۵
شاخص فلاکت	۱۰	۵	۱۰

منبع: اقتصاد ایران در افق ۱۴۰۴ (۱۳۹۳: ۲۱)

پیش‌بینی رشد اقتصادی لازم برای دستیابی به جایگاه اول در گزینه‌های مختلف بیانگر این است که اگر قرار باشد ایران در افق چشم‌انداز در موقعیت برتر در منطقه جنوب غرب آسیا نسبت به سایر کشورها قرار گیرد، لازم است تولید ناخالص داخلی به دلار و قیمت‌های ثابت ۲۰۰۵، در سال‌های باقیمانده از اجرای سند چشم‌انداز، حداقل با نرخ متوسط سالانه ۱۲ درصد رشد کند. برای دستیابی به رشد اقتصادی متوسط ۱۲ درصد سالانه، نیاز است که تشکیل سرمایه ثابت سالانه با نرخ متوسط ۲۱ صورت گیرد. با توجه به اینکه در افق سند چشم‌انداز به لحاظ منابع رشد اقتصادی، سهم بهره‌وری کل عوامل تولید در تأمین رشد اقتصادی ۳۵ درصد در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب، از رشد اقتصادی با نرخ متوسط ۱۲ درصد، باید به طور متوسط ۴/۲ درصد مربوط به رشد بهره‌وری کل عوامل (رشد کیفی تولید) و ۶/۸ درصد مربوط به رشد نهاده‌های نیروی کار و سرمایه (رشد کمی تولید) باشد.

۲-۲- عملکرد ۱۰ ساله اول سند چشم‌انداز

الف- یکی از اهداف سند چشم‌انداز، دستیابی به قدرت اول اقتصادی، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی و ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه در سطح منطقه آسیای جنوب غربی است. از تولید ناخالص داخلی بر حسب برابری قدرت خرید (PPP) به قیمت ثابت، به عنوان معیارهای اندازه اقتصاد استفاده می‌شود. بر اساس آمارهای گزارش شده بانک جهانی در جدول (۲)، محاسبه شکاف تولید ناخالص داخلی ایران بر حسب برابری قدرت خرید (PPP) به قیمت ثابت سال ۲۰۱۱، نشان می‌دهد که تفاوت تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۰۵ میلادی (۱۳۸۴ شمسی) به عنوان سال شروع برنامه چشم‌انداز) با ترکیه ۹۰ و با عربستان ۷۰ میلیارد دلار بوده که شکاف مذکور در سال ۲۰۱۵ تشدید شده و به ترتیب به ۵۶۰ و ۳۳۰ میلیارد دلار افزایش یافته است و در مقایسه با ترکیه و عربستان در جایگاه سوم قرار گرفته است.

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

ارتقای سطح نسبی درآمد سرانه و کاهش فاصله درآمدی، یکی دیگر از اهداف سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ است. دو عامل جمعیت و تولید ناخالص در تغییر میزان سطح درآمد سرانه نقش دارد. تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت جاری (دلار) به عنوان شاخص سطح درآمد سرانه استفاده شده است. آمارهای رسمی گزارش شده بانک جهانی در جدول (۲)، بیانگر این است که تفاوت تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت جاری (دلار) ایران در سال ۲۰۰۵، با ترکیه ۴۲۶۲ و با عربستان ۱۰۶۱۷ میلیارد دلار بوده که شکاف مذکور در سال ۲۰۱۵ تشدید شده و به ترتیب به ۶۰۲۳ و ۱۵۷۷۵ میلیارد دلار رسیده است. این امر بیانگر این است که اهداف سند چشم‌انداز در زمینه دستیابی به قدرت اول اقتصادی، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی و ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه در سطح منطقه آسیای جنوب غربی در ۱۰ ساله اول محقق نشده است.

جدول (۲)، وضعیت مقایسه‌ای تولید ناخالص داخلی ایران در مقایسه با رقبای اصلی خود در سند چشم‌انداز در منطقه

شاخص	سال	کشور	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۱۶
نرخ رشد اقتصادی (درصد)	ایران	-۲۱/۶	۱۳/۵۹	۵/۸	۴/۲	۶/۶	۰/۴	۶/۵	
	ترکیه	-۲/۴	۹/۲	۶/۶	۹	۸/۵	۶	۲/۹	
	عربستان	۵/۶	۱۵	۵/۶	۵/۶	۵	۴	۱/۷	
	مصر	۱۰	۵/۷	۵/۳	۴/۸	۵	۴/۴	۴/۳	
تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری (میلیارد دلار)	ایران	۹۴/۴	۱۲۴/۸	۱۰۹/۶	۲۲۰	۴۶۷/۸	۳۹۳/۴	-	
	ترکیه	۶۸/۸	۱۵۱	۲۷۳	۵۰۱	۷۷۲	۸۶۰	۸۵۸	
	عربستان	۱۶۴/۶	۱۱۸	۱۸۹/۵	۳۲۸	۵۲۸	۶۵۴	۶۴۶	
	مصر	۲۲/۹	۴۳/۱	۹۹/۸	۸۹/۷	۲۱۹	۲۳۳	۲۳۶	
تولید ناخالص داخلی بر حسب (PPP) به قیمت ثابت ۲۰۱۱ (میلیارد دلار)	ایران	-	۵۷۱	۷۸۴	۱۰۲۰	۱۳۰۰	۱۲۷۰	-	
	ترکیه	-	۶۱۵	۸۷۷	۱۱۱۰	۱۳۰۰	۱۸۳۰	۱۸۸۰	
	عربستان	-	۶۹۳	۸۹۴	۱۰۹۰	۱۲۵۰	۱۶۰۰	۱۶۳۰	
	مصر	-	۳۳۹	۵۱۶	۶۱۴	۸۲۹	۹۴۷	۹۸۷	
تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت جاری (دلار)	ایران	۲۴۴۰	۲۲۲۰	۱۶۵۷	۳۱۲۲	۶۲۷۳	۴۹۵۷	-	
	ترکیه	۱۵۶۴	۲۷۹۴	۴۳۱۷	۷۳۸۴	۱۰۶۷۲	۱۰۹۸۰	۱۰۷۸۸	
	عربستان	۱۶۸۹۲	۷۲۰۴	۹۱۲۶	۱۳۷۳۹	۱۹۲۵۹	۲۰۷۳۲	۲۰۰۲۹	
	مصر	۵۱۹	۷۵۱	۱۴۲۸	۱۱۶۸	۲۶۰۲	۳۵۴۸	۳۵۱۴	

منبع: (۲۰۱۷) WDI online, the World Bank Group

ب- یکی دیگر از اهداف سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ رسیدن به اشتغال کامل و کاهش نرخ بیکاری به ۵ درصد است. آمارهای رسمی گزارش شده بانک جهانی در جدول (۳)، بیانگر این است که نرخ بیکاری ایران در سال ۲۰۰۵ برابر ۱۲/۱ درصد بوده که در مقایسه با نرخ بیکاری ۱۰/۶۳ درصد در ترکیه و ۶/۰۵ درصد در عربستان در جایگاه سوم قرار داشته است. نرخ مذکور در سال ۲۰۱۶ در ایران به ۱۱/۲۶ درصد کاهش یافته، اما در مقایسه با ترکیه با نرخ ۱۰/۳۳ و عربستان با نرخ ۵/۵۳ در جایگاه سوم قرار گرفته

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

است. این امر بیانگر این است که اهداف سند چشم‌انداز در زمینه کاهش نرخ بیکاری در ۱۰ سال اول محقق نشده است.

جدول (۳) وضعیت نرخ بیکاری ایران در مقایسه با رقبای اصلی خود در سند چشم‌انداز در منطقه

سال	کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۱۶
شاخص نرخ بیکاری (درصد)	ایران	۱۱/۷۸	۱۲/۱	۱۳/۵۲	۱۱/۰۶	۱۱/۲۶
	ترکیه	۶/۵	۱۰/۶۳	۱۰/۶۶	۱۰/۲۴	۱۰/۳۳
	عربستان	۴/۵۷	۶/۰۵	۵/۵۵	۵/۵۹	۵/۵۳
	مصر	۹	۱۱/۲	۸/۹۸	۱۲/۸۴	۱۲/۰۱

منبع: (۲۰۱۷) WDI online, the World Bank Group

پ- یکی دیگر از اهداف سند چشم‌انداز کاهش نرخ تورم به ۵ درصد است. نرخ تورم بر ساختار اقتصاد و متغیرهای کلان اقتصاد اثرگذار و از آن‌ها نیز اثر پذیر است. بر این اساس بوده است که مهار تورم و ثبات آن همواره از مهم‌ترین اهداف سیاست‌گذاران اقتصادی بوده و در تدوین برنامه‌های توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. تورم پایین ذاتاً یک محرک اقتصادی است که موجبات رشد تولید و انگیزه افزایش ظرفیت تولیدی را در هر اقتصادی ایجاد می‌کند. بنابراین، ثبات سطح عمومی قیمت‌ها یکی از چالش‌های مهم است که در ایجاد فضای امن اقتصادی و جلب مشارکت سرمایه‌گذاران نقش کلیدی دارد. برعکس، اگر این روند به صورت لجام گسیخته صعودی باشد، زمینه تخریب رشد و تولید و انحراف منابع کشور را فراهم می‌آورد. آمارهای رسمی گزارش شده بانک جهانی در جدول (۴)، بیانگر این است که نرخ تورم ایران در سال ۲۰۰۵ برابر ۱۳/۴ درصد بوده که در مقایسه با نرخ تورم ۸/۵ درصد در ترکیه و ۵/۳ درصد در عربستان در جایگاه سوم قرار داشته است. نرخ مذکور در سال ۲۰۱۶ در ایران به ۸/۵ درصد کاهش یافته است. اگرچه کاهش نرخ تورم در راستای اهداف سند چشم‌انداز بوده است، اما در مقایسه با ترکیه با نرخ ۷/۸ و عربستان با نرخ ۳/۵ درصد، جایگاه ایران تغییر نکرده است.

جدول (۴)، وضعیت نرخ تورم ایران در مقایسه با رقبای اصلی خود در سند چشم‌انداز در منطقه

سال	کشور	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۱۶
شاخص نرخ تورم (درصد)	ایران	۲۰/۶	۷/۶	۱۴/۵	۱۳/۴	۱۰/۱	۱۳/۷	۸/۵
	ترکیه	۱۱۰/۲	۶۰/۳	۵۴/۹	۱۰/۱	۸/۵	۷/۷	۷/۸
	عربستان	۴/۲	۲/۱	-۱/۱	۰/۷	۵/۳	۲/۱	۳/۵
	مصر	۲۰/۸	۱۶/۷	۲/۷	۴/۹	۱۱/۲۶	۱۰/۴	۱۳/۸

منبع: (۲۰۱۷) WDI online, the World Bank Group

ت- در راستای تحقق سهم ۳۰ درصدی بهره‌وری عوامل در جهت افزایش رشد اقتصادی، افزایش کیفیت نهادهای سیاست‌گذاری و کیفیت حکمرانی نقش اساسی دارند. بر این اساس، اندازه بهینه دولت

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

و نقش آن در تحقق رشد اقتصادی و تأثیری که بر عملکرد اقتصادی و بخش خصوصی دارد، قابل توجه خواهد بود. نسبت مخارج نهایی مصرفی دولتی به تولید ناخالص داخلی، یکی از شاخص‌های اصلی اندازه دولت است و بزرگتر بودن این نسبت بیانگر بیشتر بودن سهم مخارج مصرفی دولت در اقتصاد است. آمارهای رسمی گزارش شده بانک جهانی در جدول (۵)، بیانگر این است که نسبت مخارج نهایی مصرفی دولتی به تولید ناخالص داخلی در ایران در سال ۲۰۰۵ برابر ۱۲/۷ درصد بوده که در مقایسه با نسبت ۱۲/۳ درصد در ترکیه و ۲۱/۳ درصد در عربستان در جایگاه دوم قرار داشته است. هر چند نرخ مذکور در سال ۲۰۱۵ در ایران به ۱۲/۶۹ درصد کاهش یافته و در مقایسه با ترکیه با نسبت ۱۳/۹ و عربستان با نرخ ۳۰ درصد، ایران به جایگاه اول ارتقاء پیدا کرده است؛ اما تا رسیدن اندازه دولت به حد بهینه و ارتقاء کیفیت نهادهای سیاستگذاری فاصله زیادی وجود دارد.

جدول (۵)، مخارج مصرفی دولت (%GDP) در ایران در مقایسه با رقبای اصلی خود در سند چشم‌انداز در منطقه

شاخص	کشور	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۱۶
مخارج مصرفی دولت (%GDP)	ایران	۳۱	۱۰/۸	۱۲/۹	۱۲/۷۴	۱۱/۷	۱۲/۶۹	-
	ترکیه	۱۱/۵	۱۱	۱۲	۱۲/۳	۱۵	۱۳/۹	۱۴/۷
	عربستان	۱۵/۹	۲۹	۲۵/۹	۲۱/۳	۲۰/۲	۳۰	۲۵/۷
	مصر	۱۵/۷	۱۱/۳	۱۱/۲	۱۲/۷	۱۱/۲	۱۱/۸	۱۱/۴

منبع: (۲۰۱۷) WDI online, the World Bank Group

نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص دیگری است که اتکا بودجه دولتها را به درآمدهای باثبات و پایدار بیشتر می‌کند. آمارهای رسمی گزارش شده بانک جهانی در جدول (۶)، بیانگر این است که نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در ایران در سال ۲۰۰۵ برابر ۶/۸ درصد بوده که در مقایسه با نسبت ۱۷ درصد در ترکیه در جایگاه دوم قرار داشته است. اگرچه از سال ۱۳۸۷ نظام مالیات بر ارزش افزوده در ایران اجرایی شده و در سال ۱۳۹۶ حدود ۳۰ درصد درآمدهای مالیاتی شامل می‌شود؛ اما با وجود افزایش نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در ایران در سال ۲۰۱۵ در ایران به ۷/۶ درصد، باز هم در مقایسه با ترکیه با نسبت ۱۸/۲۰ درصد، در جایگاه دوم قرار گرفته است.

جدول (۶)، درآمدهای مالیاتی دولت (%GDP) در ایران در مقایسه با رقبای اصلی خود در سند چشم‌انداز در منطقه

شاخص	کشور	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵
درآمدهای مالیاتی (%GDP)	ایران	۵/۲	۵/۶	۵/۹	۶/۸	۷/۶۸	۷/۶
	ترکیه	۱۴/۳	۱۱/۶	-	۱۷	۱۹/۴	۱۸/۲۰
	عربستان	-	-	-	-	-	-
	مصر	-	۱۳/۲	-	۱۴	۱۴/۱	۱۲/۵

منبع: (۲۰۱۷) WDI online, the World Bank Group

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

ث- در چشم‌انداز بیست ساله ایران به منظور دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، بر تعامل سازنده و مؤثر با جهان تأکید شده است. یکی از ابزارهای تحقق آن، توسعه صادرات غیرنفتی، هم‌افزایی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی دارای مزیت نسبی است. آمارهای رسمی گزارش شده بانک جهانی در جدول (۷)، بیانگر این است که شاخص باز بودن اقتصاد به صورت نسبی از تولید ناخالص داخلی در ایران در سال ۲۰۰۵ برابر ۵۶ درصد بوده است که در مقایسه با ۴۵/۴ درصد در ترکیه و ۸۱/۹ در عربستان در جایگاه دوم قرار داشته است. این شاخص در سال ۲۰۱۵ در ایران به ۳۹ درصد کاهش یافته و در مقایسه با ترکیه با ۴۹/۳ درصد و عربستان با ۷۲ درصد، جایگاه ایران کاهش یافته است.

همچنین، صادرات کالا و خدمات به صورت نسبی از تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران در سال ۲۰۰۵ هم‌زمان با شروع اجرای سند چشم‌انداز، ۳۱/۲ درصد بوده است که در مقایسه با ۲۱ درصد در ترکیه و ۵۷ درصد در عربستان در جایگاه دوم قرار داشته است. این شاخص در سال ۲۰۱۵ در ایران به ۱۹/۷ درصد کاهش یافته و در مقایسه با ترکیه با ۲۰/۴ درصد و عربستان با ۴۹/۴ درصد، جایگاه ایران کاهش یافته است.

واردات کالا و خدمات به صورت نسبی از تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران در سال ۲۰۰۵ هم‌زمان با شروع اجرای سند چشم‌انداز، ۲۴/۸ درصد بوده است که در مقایسه با ۲۴/۴ درصد در ترکیه و ۲۴/۹ درصد در عربستان در جایگاه دوم قرار داشته است. این شاخص در سال ۲۰۱۵ در ایران به ۱۹/۳ درصد کاهش یافته و در مقایسه با ترکیه با ۲۶ درصد و عربستان با ۳۸/۷ درصد، جایگاه ایران تغییر نکرده است.

جدول (۷)، وضعیت تجارت خارجی ایران در مقایسه با رقبای اصلی خود در سند چشم‌انداز در منطقه - درصد

سال	کشور	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۱۶
باز بودن اقتصاد (%GDP)	ایران	۴۲/۵	۳۷/۱	۴۱/۲	۵۶	۴۵/۷	۳۹	-
	ترکیه	۱۷/۱	۳۰/۹	۴۲	۴۵/۴	۴۵/۹	۴۹/۳	۴۷/۱
	عربستان	۹۰/۷	۷۱/۷	۶۸/۲	۸۱/۹	۸۲/۵	۷۲	۶۰/۸
	مصر	۷۳/۴	۵۲/۸	۳۹/۱	۶۲/۹	۴۷/۹	۲۴/۸	۲۹/۹
صادرات کالاها و خدمات (%GDP)	ایران	۱۳/۷	۱۳/۳	۲۱/۵	۳۱/۲	۲۵/۴	۱۹/۷	-
	ترکیه	۵/۲	۱۳/۴	۱۹/۴	۲۱	۲۰/۴	۲۳/۳	۲۲
	عربستان	۶۳/۴	۴۰/۳	۴۳/۴	۵۷	۴۹/۶	۳۳/۲	۳۰/۷
	مصر	۳۰/۵	۲۰	۱۶/۲	۳۰/۳	۲۱/۳	۱۳/۲	۱۰/۳
واردات کالاها و خدمات (%GDP)	ایران	۲۸/۷	۲۳/۸	۱۹/۸	۲۴/۸	۲۰/۳	۱۹/۳	-
	ترکیه	۱۱/۹	۱۷/۶	۲۲/۵	۲۴/۴	۲۵/۴	۲۶	۲۵
	عربستان	۲۷/۳	۳۱/۴	۲۴/۸	۲۴/۹	۳۳	۳۸/۷	۳۰/۲
	مصر	۴۲/۸	۳۲/۷	۲۲/۸	۲۲/۶	۲۶/۶	۲۱/۶	۱۹/۶

منبع: (۲۰۱۷) WDI online, the World Bank Group

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

تعامل سازنده با جهان می‌تواند در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تکنولوژی پیشرفته و در نهایت افزایش بهره‌وری مؤثر باشد. بر اساس آمارهای گزارش شده بانک جهانی در جدول (۸)، خالص سرمایه‌گذاری خارجی به صورت نسبی از تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران در سال ۲۰۰۵ هم زمان با شروع اجرای سند چشم‌انداز، ۱/۳۱ درصد بوده است که در مقایسه با ۲ درصد در ترکیه و ۳/۷ درصد در عربستان در جایگاه سوم قرار داشته است. این شاخص در سال ۲۰۱۵ در ایران به ۰/۵۲ درصد کاهش یافته و در مقایسه با ترکیه با ۲ درصد و عربستان با ۱/۲۴۴ درصد، جایگاه ایران تغییر نکرده است.

جدول (۸)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (GDP٪) ایران در مقایسه با رقبای اصلی خود در سند چشم‌انداز

شاخص	سال						
	کشور	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵
خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (GDP٪)	ایران	۰/۰۸۵	-۰/۲۹	۰/۱۷	۱/۳۱	۰/۷۸	۰/۵۲
	ترکیه	۰/۰۲۶	۰/۴۵	۰/۳۶	۲	۱/۱۸	۲
	عربستان	-۱/۹۴	۱/۵۸	-۰/۹۹	۳/۷	۵/۵	۱/۲۴
	مصر	۲/۳۹	۱/۷	۱/۲۳	۶	۲/۹	۲/۱
جذب سرمایه‌گذاری خارجی (میلیون دلار)	ایران	۸۱	۳۶۲	۱۹۳	-	۳۶۴۹	۲۰۵۰
	ترکیه	۱۸	۶۸۵	۹۸۲	-	۹۰۱۰	۱۷۵۵۰
	عربستان	۳۱۹۲	۱۸۶۱	۱۹۰۰	-	۲۹۲۳	۸۱۴۱

منبع: (۲۰۱۷) WDI online, the World Bank Group

ج- یکی دیگر از محورهای سند چشم‌انداز، جامعه‌ای برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع متناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده و به دور از فقر، فساد و تبعیض است. ضریب جینی به عنوان یکی از شاخص‌های توزیع عادلانه درآمد مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر اساس آمارهای گزارش شده بانک جهانی در جدول (۹)، ضریب جینی در اقتصاد ایران در سال ۲۰۰۵ هم زمان با شروع اجرای سند چشم‌انداز، ۰/۴۴۸ بوده است که در مقایسه با ۰/۴۲۶ در ترکیه، توزیع درآمد در ایران ناعادلانه‌تر بوده است. این شاخص در سال ۲۰۱۵ در ایران به ۰/۳۸۸ کاهش یافته و در مقایسه با ترکیه با ۰/۴۰۲، توزیع درآمد در ایران عادلانه‌تر شده است.

جدول (۹)، ضریب جینی ایران در مقایسه با رقبای اصلی خود در سند چشم‌انداز

شاخص	سال				
	کشور	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۳
ضریب جینی	ایران	۰/۴۴۸	۰/۴۲	۰/۳۷	۰/۳۷۴
	ترکیه	۰/۴۲۶	۰/۳۸۸	۴۰	۰/۴۰۲
	عربستان	-	-	-	-
	پاکستان	۰/۳۲۷	۰/۲۹۸	۰/۳۰۹	۰/۳۰۷

منبع: (۲۰۱۷) WDI online, the World Bank Group

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

همچنین، بر اساس آمارهای گزارش شده در جدول (۱۰)، سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین جمعیت کشور از ۱۷/۵۹ درصد در سال ۱۳۸۶ به ۱۲/۶۵ درصد در سال ۱۳۹۴ کاهش یافته است.

جدول (۱۰) شاخص‌های توزیع درآمد در ایران در دوره (۱۳۸۶-۱۳۹۴)

متغیر سال	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
ضریب جینی-کل کشور	۰/۴۳	۰/۴۱	۰/۴۱	۰/۴۱	۰/۳۷	۰/۳۷	۰/۳۷	۰/۳۸	۰/۳۹
ضریب جینی مناطق شهری	۰/۴۱	۰/۳۹	۰/۳۹	۰/۳۸	۰/۳۶	۰/۳۵	۰/۳۵	۰/۳۶	۰/۳۷
معیار تایل مناطق شهری	۰/۲۶	۰/۲۳	۰/۲۲	۰/۲۳	۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۱۸	۰/۱۹	-
معیار اتکینسون مناطق شهری	۰/۴۰	۰/۳۷	۰/۳۷	۰/۳۷	۰/۳۳	۰/۳۲	۰/۳۰	۰/۳۲	-
ضریب کاکوانی مناطق شهری	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۱۱	-
ضریب جینی مناطق روستایی	۰/۳۹	۰/۳۸	۰/۳۸	۰/۳۸	۰/۳۴	۰/۳۳	۰/۳۲	۰/۳۴	۰/۳۴
معیار تایل مناطق روستایی	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۲۶	۰/۲۱	۰/۲۱	۰/۱۹	۰/۲۱	-
معیار اتکینسون مناطق روستایی	۰/۴۴	۰/۴۴	۰/۴۴	۰/۴۳	۰/۳۷	۰/۳۷	۰/۳۴	۰/۳۷	-
ضریب کاکوانی مناطق روستایی	۰/۱۴	۰/۱۴	۰/۱۴	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۰	۰/۱۱	-
سهم دهک اول- کل کشور (%)	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۲
سهم دهک دوم- کل کشور (%)	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۴
سهم دهک سوم- کل کشور (%)	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۵
سهم دهک چهارم- کل کشور (%)	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶
سهم دهک پنجم- کل کشور (%)	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷
سهم دهک ششم- کل کشور (%)	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۸
سهم دهک هفتم- کل کشور (%)	۰/۰۹	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۱۰
سهم دهک هشتم- کل کشور (%)	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۰	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲
سهم دهک نهم- کل کشور (%)	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۱۷	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۱۶
سهم دهک دهم- کل کشور (%)	۰/۳۴	۰/۳۳	۰/۳۱	۰/۳۲	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۳۰	۰/۳۱
سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین جمعیت کشور (%)	۱۷/۵۹	۱۵/۷۹	۱۵/۹۷	۱۴/۷۱	۱۱/۰۹	۱۰/۷۹	۱۰/۶۸	۱۲/۳۳	۱۲/۶۵
سهم ۲۰ درصد ثروتمندترین به ۲۰ درصد فقیرترین جمعیت کشور (%)	۹/۹	۸/۹۹	۹	۸/۵۴	۶/۷۸	۶/۶۵	۶/۵۷	۷/۲۶	۷/۴
سهم ۲۰ درصد ثروتمندترین به ۲۰ درصد فقیرترین جمعیت شهری (%)	۸/۷۲	۷/۶۳	۷/۷۹	۷/۴۲	۶/۳۲	۶/۱۹	۶	۶/۳۹	۶/۵۴
سهم ۲۰ درصد ثروتمندترین به ۲۰ درصد فقیرترین جمعیت روستایی (%)	۷/۶۶	۷/۳۱	۷/۶۲	۷/۳۷	۵/۸۵	۵/۶۰	۵/۳۰	۵/۹۸	۵/۸۳
سهم ۲۰ درصد فقیرترین جمعیت کل کشور (%)	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۶

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶	سهم ۲۰ درصد فقیرترین جمعیت مناطق شهری (%)
۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶	سهم ۲۰ درصد فقیرترین جمعیت مناطق روستایی (%)

منبع: داده‌های گزارش شده دفتر مدلسازی و مدیریت اطلاعات اقتصادی وزارت اقتصاد و دارایی

یکی از معیارهای رتبه‌بندی کشورها از نظر پیشرفت‌های توسعه انسانی، شاخص توسعه انسانی^۱ (HDI) است که ابعاد مختلف توسعه اقتصادی و اجتماعی را در نظر می‌گیرد. این شاخص از سه مؤلفه درآمد ناخالص ملی سرانه، آموزش و بهداشت تشکیل شده است. گزارش‌های توسعه انسانی سازمان ملل متحد، کشورهای مورد بررسی را بر اساس مقادیر این شاخص در چهار گروه توسعه انسانی بسیار بالا (بالا تر از ۰/۷۸۴)، توسعه انسانی بالا (۰/۶۷۵ تا ۰/۷۸۴)، توسعه انسانی متوسط (۰/۴۷۵ تا ۰/۶۷۴)، و توسعه انسانی پایین (کمتر از ۰/۴۷۵) طبقه‌بندی کرده است.^۲ در میان کشورهای رقیب ایران در سند چشم‌انداز، مقادیر این شاخص در سال ۲۰۰۵، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵، کشورهای عربستان، ترکیه و ایران را در کشورهای با توسعه انسانی بالا قرار داده است. بر اساس داده‌های گزارش شده در جدول (۱۱)، ایران از نظر شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۰۵ در مقایسه با ترکیه و عربستان در جایگاه دوم قرار داشته است و این جایگاه در سال ۲۰۱۵ تغییر نکرده است.

جدول (۱۱)، شاخص توسعه انسانی ایران در مقایسه با رقبای اصلی خود در سند چشم‌انداز

سال	کشور	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵
شاخص توسعه انسانی	ایران	۰/۵۷۲	۰/۶۶۶	۰/۶۹۲	۰/۷۴۵	۰/۷۷۴
	ترکیه	۰/۵۷۶	۰/۶۵۳	۰/۶۸۷	۰/۷۳۷	۰/۷۶۷
	عربستان	۰/۶۹۸	۰/۷۴۲	۰/۷۶۷	۰/۸۰۳	۰/۸۴۷
	مصر	۰/۵۴۷	۰/۶۱۲	۰/۶۳۶	۰/۶۷۱	۰/۶۹۱

منبع: Human Development Report (۲۰۱۷)

چ- یکی از اساسی‌ترین چالش‌های چشم‌انداز اقتصاد ایران، پدیده جهانی شدن است که در راستای آن برخورداری از صنعت رقابت‌پذیر برای اقتصاد اجتناب‌ناپذیر است و به نظر می‌رسد از اقدامات مهم و اساسی کشور در دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز، بهبود محیط کسب و کار، رقابتی شدن اقتصاد و خصوصی‌سازی در راستای اصل ۴۴ قانون اساسی در کشور است. با توجه به قوانین و مقررات دست و پاگیر و سختی دریافت مجوز و ایجاد کسب و کار، باعث شده تا سرمایه‌ها و تسهیلات حمایت از تولید در فعالیتهای غیر تولیدی مورد استفاده قرار گرفته و سبب افزایش تقاضا و سطح عمومی قیمت‌ها

^۱ . Human Development Index

^۲ . روش محاسبه شاخص HDI در گزارش سال ۲۰۱۰ تغییر کرده است. بنابراین، مقدار این شاخص برای همه کشورها در سال‌های مورد بررسی طبق آخرین گزارش اصلاح شده است.

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

شده است. بنابراین، اصلاح محیط کسب و کار و بهبود شاخص‌های مزبور در عرصه جهانی گامی مثبت و اساسی در جهت تقویت مشارکت بخش خصوصی در عرصه اقتصاد و ارتقای سطح اشتغال و تولید در کشور محسوب می‌شود. شاخص رقابت‌پذیری جهانی برای اقتصاد ایران از سال ۲۰۱۰ توسط مجمع جهانی اقتصاد با همکاری اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران محاسبه و منتشر شده است. بنابراین، از سال ۲۰۱۰ ایران در رتبه‌بندی این مجمع قرار گرفته است. بر اساس آمارهای گزارش شده در جدول (۱۲)، هرچند رتبه ایران از ۶۹ در سال ۲۰۱۰ به ۷۴ در سال ۲۰۱۶ کاهش یافته است، اما تا رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله زیادی وجود دارد.

جدول (۱۲) رتبه ایران در نماگرهای شاخص رقابت‌پذیری جهانی (WEF)

رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	شاخص‌ها
۲۰۱۵-۱۶ (کشور ۱۴۰)	۲۰۱۴-۱۵ (کشور ۱۴۴)	۲۰۱۳-۱۴ (کشور ۱۴۲)	۲۰۱۲-۱۳ (کشور ۱۴۲)	۲۰۱۱-۱۲ (کشور ۱۴۲)	۲۰۱۰-۱۱ (کشور ۱۳۹)	
۷۴	۸۳	۸۲	۶۶	۶۲	۶۹	رتبه کل
۱۹	۲۱	۱۹	۱۸	۲۰	۲۱	اندازه بازار
۶۶	۶۲	۱۰۰	۵۷	۴۵	۲۷	ثبات در اقتصاد کلان
۴۷	۵۲	۵۱	۴۶	۵۴	۵۰	بهداشت و آموزش ابتدایی
۶۳	۶۹	۶۵	۶۹	۷۴	۶۷	زیرساختها
۹۰	۸۶	۷۱	۶۵	۶۶	۷۰	نوآوری
۹۴	۱۰۸	۸۳	۶۸	۸۲	۷۲	نهادها
۶۹	۷۸	۸۸	۷۸	۸۷	۸۹	آموزش عالی و حرفه‌ای
۱۱۰	۱۱۰	۱۰۴	۹۳	۹۱	۹۲	پیشرفته بودن بنگاه‌ها
۱۰۹	۱۲۰	۱۱۰	۹۸	۹۸	۱۰۳	کارایی بازار کالا
۹۹	۱۰۷	۱۱۶	۱۱۱	۹۶	۱۰۴	آمادگی تکنولوژیک
۱۳۴	۱۲۸	۱۳۰	۱۲۳	۱۲۰	۱۲۳	پیشرفته بودن بازار مالی
۱۳۸	۱۴۲	۱۴۵	۱۴۱	۱۳۵	۱۳۹	کارایی بازار نیروی کار

منبع: The Global Competitiveness Report

همچنین، طبق گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۷، از وضعیت بین‌المللی شاخص سهولت انجام کسب و کار^۱، جایگاه ایران در بین ۱۹۰ کشور در رتبه ۱۲۰ قرار گرفته است. بر این اساس، هرچند جایگاه بین‌المللی ایران از رتبه ۱۵۲ در سال ۲۰۱۴ میلادی به رتبه ۱۲۰ در سال ۲۰۱۷ میلادی ارتقا یافته است، اما این امر در نتیجه اصلاح آمارهای ارسالی بوده است^۲. شاخص انجام کسب و کار بانک جهانی شامل ۱۰ زیر شاخص شروع کسب و کار (رتبه ۱۰۲)، اخذ مجوز ساخت (رتبه ۲۷)، دسترسی به برق (رتبه ۹۴)، ثبت مالکیت (رتبه ۸۶)، اخذ اعتبارات (رتبه ۱۰۱)، حمایت از سهامداران خرد (رتبه ۱۶۵)،

۱. Doing business

^۲. براساس گزارش های بانک جهانی می توان گفت طی سه سال منتهی به گزارش ۲۰۱۶، رتبه واقعی (بازنگری و تصحیح شده) ایران از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ به ترتیب ۱۳۲، ۱۱۹ و ۱۱۷ بوده است. در واقع ابتدا در سال ۲۰۱۵ رتبه ایران برای گزارش سال قبل (۲۰۱۴) بازنگری و اصلاح شد و با ۲۰ رتبه کاهش از ۱۵۲ به ۱۳۲ رسید که همه این ۲۰ رتبه کاهش به دلیل اصلاح اطلاعات بوده است نه اصلاح واقعی وضعیت کسب و کار در ایران. سپس از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵ وضعیت کسب و کار در ایران ۱۳ رتبه‌ای بهبود یافته است که ۱۱ رتبه آن باز هم ناشی از اصلاح اطلاعات مربوط به ایران بوده است.

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

سهولت پرداخت مالیات (رتبه ۱۰۰)، تجارت فرامرزی (رتبه ۱۷۰)، سهولت اجرای قراردادها (رتبه ۷۰)، ورشکستگی و پرداخت دیون (رتبه ۱۵۶) است. بر این اساس، هرچند ایران در سال‌های اخیر تلاش کرده فضای کسب و کار را برای کارآفرینان و فعالان اقتصادی بهبود بخشد؛ اما به نظر می‌رسد سرعت اصلاحات اقتصادی و اقدامات اساسی انجام شده، پایین است. از سوی دیگر، سایر کشورها نیز عملکرد بهتری در راستای تسهیل فضای کسب و کار داشته‌اند. در جدول (۱۳) رتبه کلی سهولت کسب و کار در ترکیه، عربستان و ایران در دوره (۲۰۱۷-۲۰۱۳) گزارش شده است.

جدول (۱۳) رتبه کلی سهولت کسب و کار ایران در جهان در مقایسه با ترکیه و عربستان

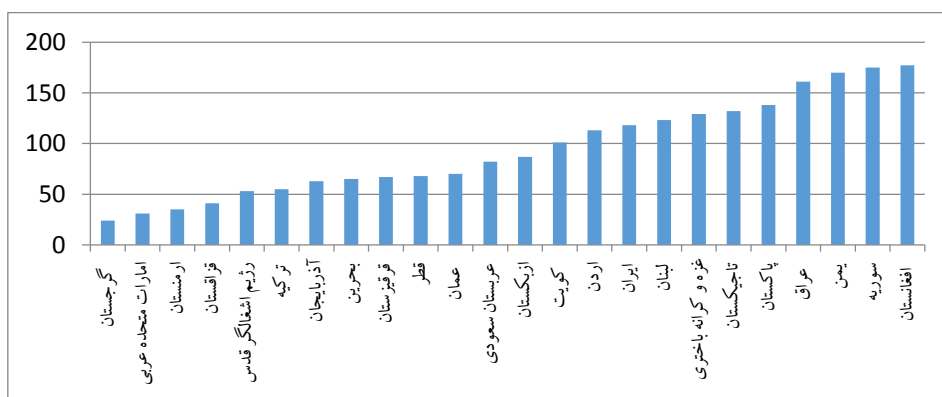
کشور	سال	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷
ترکیه		۷۱	۶۹	۵۵	۵۵	۶۹
عربستان		۲۲	۲۶	۴۹	۸۲	۹۴
ایران		۱۴۵	۱۵۲	۱۳۲	۱۱۷	۱۲۰

منبع: گزارش‌های انجام کسب و کار بانک جهانی (www.doingbusiness.org)

جدول (۱۴) وضعیت کشورهای حوزه سند چشم‌انداز در گزارش جهانی سهولت کسب و کار در سال ۲۰۱۶

کشور	رتبه	کشور	رتبه	کشور	رتبه	کشور	رتبه
گرجستان	۲۴	آذربایجان	۶۳	ازبکستان	۸۷	تاجیکستان	۱۳۲
امارات متحده عربی	۳۱	بحرین	۶۵	کویت	۱۰۱	پاکستان	۱۳۸
ارمنستان	۳۵	قرقیزستان	۶۷	اردن	۱۱۳	عراق	۱۶۱
قزاقستان	۴۱	قطر	۶۸	ایران	۱۱۷	یمن	۱۷۰
رژیم اشغالگر قدس	۵۳	عمان	۷۰	لبنان	۱۲۳	سوریه	۱۷۵
ترکیه	۵۵	عربستان سعودی	۸۲	کرانه باختری و غزه	۱۲۹	افغانستان	۱۷۷

منبع: گزارش‌های انجام کسب و کار بانک جهانی (www.doingbusiness.org)



نمودار (۱) رتبه کشورهای حوزه سند چشم‌انداز در گزارش جهانی سهولت کسب و کار در سال ۲۰۱۶

خصوصی‌سازی نیز یکی از راهبردهای اعمال و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در راستای دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله مطرح شده است و با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل

۴۴ قانون اساسی و تصویب قانون اجرای آن در سال ۱۳۸۶ بوسیله مجلس شورای اسلامی، نقطه عطفی در اجرای سیاست خصوصی سازی در کشور صورت گرفته است و این مهم همزمان با سال‌های اولیه اجرای برنامه چهارم توسعه تحقق یافته است. این برنامه با ۱۳ ماده مرتبط با خصوصی سازی، به همراه ۵ آیین‌نامه، ۲ دستورالعمل و یک ضابطه اجرایی، مجموعه قوانین نسبتاً کاملی را در زمینه خصوصی سازی فراهم آورده است. بر اساس سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی اهداف زیر مدنظر قرار گرفته است^۱:

۱- دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل ۴۴ را ندارد و موظف است حداکثر تا پایان برنامه چهارم (۱۳۸۹-۱۳۸۴)، سالانه ۲۰ درصد کاهش فعالیت داشته باشد؛

۲- افزایش سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور از ۵ درصد به ۲۵ درصد تا پایان برنامه پنج ساله پنجم (۹۴-۱۳۹۰)؛

۳- تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاستگذاری و هدایت و نظارت بر تولید؛

۴- جهت‌گیری خصوصی سازی در راستای افزایش کارایی و رقابت‌پذیری و گسترش مالکیت خصوصی؛

۵- واگذاری ۸۰ درصد از سهام بنگاه‌های دولتی مشمول صدر اصل ۴۴ به بخش خصوصی، شرکت‌های تعاونی سهامی عام و بنگاه‌های عمومی غیردولتی؛

۶- اختصاص ۳۰ درصد از درآمدهای حاصل از واگذاری به تعاونی‌های فراگیر ملی به منظور فقرزدایی؛

۷- استفاده از روش‌های معتبر و سالم واگذاری با تأکید بر بورس، تقویت تشکیلات واگذاری و برقراری جریان شفاف اطلاع‌رسانی، ایجاد فرصت‌های برابر برای همه افراد جامعه؛

۸- مشارکت شرکت‌های دولتی با بخش‌های غیردولتی تا سقف ۴۹ درصد به منظور توسعه اقتصادی مناطق کمتر توسعه‌یافته؛

۹- اختصاص درصدی از سهام صدر اصل ۴۴ قانون اساسی به دو صورت: الف- فروش اقساطی تا ۵۰ درصد از سهام قابل واگذاری ابلاغی در بند «ج» سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در قالب شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی متشکل از تعاونی شهرستانی؛ ب- لحاظ کردن ۵۰ درصد تخفیف در قیمت سهام واگذارشده به دو دهک پایین درآمدی با دوره تقسیط ده ساله.

براساس پیش‌بینی‌ها، با اجرای بند «ب» سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، باید سهم بخش تعاون از ۵ درصد به ۲۵ درصد تا پایان برنامه پنجم تحقق پیدا می‌کرده است و تا پایان سال ۱۳۹۴ باید سهم بخش دولتی خارج از صدر اصل ۴۴ قانون اساسی به صفر می‌رسید و در بخش‌هایی که در صدر اصل ۴۴ قرار دارند، دولت حداکثر می‌تواند ۲۰ درصد در اختیار داشته باشد؛ اما براساس مطالعات و بررسی‌های انجام شده از سوی دستگاه‌های نظارتی مبنی بر سهم و جایگاه بخش‌های مختلف اعم از خصوصی، تعاونی و مؤسسات عمومی غیردولتی ناشی از واگذاری شرکت‌های دولتی و یا به اصطلاح خصوصی سازی و تحلیل آمار موجود و منتشر شده از سوی سازمان خصوصی سازی به‌عنوان متولی اجرای خصوصی سازی در کشور، بیانگر این است که در صورت ادامه روند فعلی در مدیریت فرایند

^۱ . مراجعه شود به: قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

خصوصی و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در کشور در بخش‌های اجرا، نظارت و قانون‌گذاری، منجر به تحقق تجربه ناموفق در امر خصوصی‌سازی خواهد شد و اهداف تعیین شده در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در حاشیه قرار خواهد گرفت. بنابراین، تا زمانی که اولین و مهم‌ترین هدف ناشی از خصوصی‌سازی، عملاً تأمین بدهی‌های دولت و کاهش کسری بودجه دولت طی سنوات مختلف باشد و به سایر اهداف در نظر گرفته شده در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی توجه نشود و در حاشیه قرار گیرد، کیفیت خصوصی‌سازی در کشور به شدت تهدید شده و به دنبال آن، بخش‌های سرمایه‌گذاری، کارآفرینی، رقابت‌پذیری و تولید را نیز آسیب‌پذیر می‌کند.

بر این اساس، مسأله اساسی اقتصاد ایران این است که در نتیجه رویکردهای دولت به اقتصاد ایران، بازارهای کالاها و خدمات، بازار کار، بازار سرمایه و پول و بازار ارز به دلیل عدم کارایی و ثبات نهادی در حد مطلوب، انبساط مالی و پولی گسترده و مداوم، اختلالات ناشی از مداخله‌های گسترده دولت و مخدوش شدن مکانیزم قیمت‌ها و کاهش رقابت، کارایی و پویایی خود را در تخصیص بهینه منابع و امکانات در سیستم اقتصادی از دست داده‌اند. این امر باعث شده تا فرایند خصوصی‌سازی نتواند به اهداف ارتقای کارایی دست یابد. بنابراین، در یک رویکرد جامع جهت اجرای خصوصی‌سازی موفق، ابتدا باید زمینه مطلوب در سطح کلان را در اقتصاد ایران و بهبود محیط کسب و کار در اولویت قرار داده است و بعد از آن به دنبال افزایش مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد باشیم. بر این اساس، راهبرد دستیابی به یک زمینه مطلوب در سطح کلان اقتصاد ایران جهت ارتقای کارایی اقتصادی، عمدتاً از طریق آزادسازی اقتصادی، گسترش رقابت و بهبود محیط کسب و کار به منظور توانمندی بخش خصوصی در اقتصاد صورت می‌گیرد. به‌طور کلی، از مجموع بحث‌های فوق استنباط می‌شود که اعمال مجموعه سیاست‌های آزادسازی مانند تغییر چارچوب نهادی در راستای گسترش و تقویت رقابت در بازار، حفظ توازن بودجه دولت و انضباط مالی دولت، اصلاح نظام تعرفه‌ها، گسترش رقابت در تجارت خارجی، هدمند کردن یارانه‌ها و حذف یارانه پردرآمدها و تفکیک بین مدیریت و مالکیت شرکت‌های مشمول واگذاری، می‌تواند زمینه و بستر مناسبی در سطح اقتصاد کلان جهت اجرای خصوصی‌سازی موفق فراهم کند. در جدول (۱۵) عملکرد خصوصی‌سازی به تفکیک نوع واگذاری، حجم واگذاری، عرضه سهام و به تفکیک طبقه‌بندی اصل ۴۴ در دوره (۱۳۸۶-۱۳۹۵) گزارش شده است.

جدول (۱۵) عملکرد خصوصی‌سازی در ایران در دوره (۱۳۸۶-۱۳۹۵) میلیارد ریال

عنوان	سال	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵
۱- خصوصی‌سازی به تفکیک نوع واگذاری		۱۵۸۶۴۲	۷۸۲۷۴	۲۵۵۰۹۶	۶۱۱۰۰	۱۳۶۷۶۵	۱۳۰۴۵۴	۴۵۲۷۱۲	۵۱۴۷۷	۳۷۳۳۸	۴۲۶۸۴
- سهام عدالت		۸۸۰۳۱	۱۷۶۰۲	۱۰۵۹۲۹	-	۲۳۹۹۵	-	۳۵۲۶۷	۲۵۷۳	-	-
- عرضه و فروش سهام به متقاضیان		۴۶۰۷۵	۳۱۰۸۶	۱۳۶۴۹۲	۶۱۱۰۰	۶۷۶۱۴	۹۰۱۷۳	۲۸۴۱۹۳	۴۸۹۰۴	۳۰۰۷۰	۲۳۶۵۱
- رد دیون		۲۴۵۳۶	۲۹۵۸۶	۱۲۶۷۵	-	۴۵۱۵۷	۴۰۲۸۱	۱۳۳۲۵۲	-	۷۲۶۹	۱۹۰۳۳
۲- خصوصی‌سازی به تفکیک حجم واگذاری		۱۵۸۶۴۲	۷۸۲۷۴	۲۵۵۰۹۶	۶۱۱۰۰	۱۳۶۷۶۵	۱۳۰۴۵۴	۴۵۲۷۱۲	۵۱۴۷۷	۳۷۳۳۸	۴۲۶۸۴

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

۴۱۳۰۰	۲۹۶۵۵	۵۰۸۲۵	۴۳۷۶۱۵	۱۲۶۶۶۵	۱۳۵۳۴۹	۵۶۷۶۵	۲۴۸۳۵۷	۶۷۶۹۹	۱۵۱۸۹۸	- ارزش واگذاری بلوکی
۱۲۹۶	۵۶۷۶	۳۰۵	۱۴۲۲۲	۲۶۹۲	۱۲۶۸	۲۵۴۴	۳۸۵۹	۶۵۱۱	۴۵۶۸	- ارزش واگذاری تدریجی
۸۸	۲۰۰۷	۳۴۷	۸۷۵	۱۰۹۷	۱۴۷	۱۷۹۲	۲۸۸۰	۴۰۶۴	۲۱۷۶	- ارزش واگذاری تدریجی
۱۸۵	۲۰۶	۱۰۹	۷۸	۱۴۲	۲۰۴	-	-	-	-	- عرضه‌های بلوکی (تعداد)
۱۰۰	۲۶	۲۳	۱۷	۲۴	۵۱	-	-	-	-	- عرضه‌های بلوکی موفق (تعداد)
۴۲۶۸۴	۳۷۳۳۸	۵۱۴۷۷	۴۵۲۷۱۲	۱۳۰۴۵۴	۱۳۶۷۶۵	۶۱۱۰۰	۲۵۵۰۹۶	۷۸۲۷۴	۱۵۸۶۴۲	۳- خصوصی‌سازی بر اساس بازار عرضه سهام
۵۳۲۳	۲۰۸۴۹	۲۹۹۷	۲۳۸۸۴۲	۴۴۶۱۲	۵۰۲۲۲	۱۹۱۰۹	۱۳۲۳۵۹	۴۰۳۱۸	۸۹۴۹۱	- بورس
-	-	-	-	۶	۳۱۰	۲۱۹	۲۵۰۲	-	-	- مذاکره
۳۶۸۳۹	۱۳۵۰۸	۲۱۳۷۲	۱۸۲۲۷۱	۳۰۴۵۲	۴۸۵۷۵	۳۱۹۹۳	۱۱۸۱۴۳	۲۳۹۴۰	۶۹۱۵۱	- مزایده
۵۲۲	۲۹۸۲	۲۷۱۰۹	۳۱۵۹۸	۵۵۳۸۴	۳۷۶۶۰	۹۷۷۹	۲۰۹۱	۱۴۰۱۶	-	- فرابورس
۴۲۶۸۴	۳۷۳۳۸	۵۱۴۷۷	۴۵۲۷۱۲	۱۳۰۴۵۴	۱۳۶۷۶۵	۶۱۱۰۰	۲۵۵۰۹۶	۷۸۲۷۴	۱۵۸۶۴۲	۴- خصوصی‌سازی به تفکیک طبقه‌بندی اصل ۴۴
۲۰۶۰۰	۱۶۵۲۲	۵۰۷۸۴	۱۱۷۳۱۵	۴۵۸۸۰	۴۵۵۲۹	۳۲۱۸۰	۳۴۳۰۹	۴۰۱۸۰	۵۶۷۱۹	- گروه ۱ ماده ۲ قانون
۲۲۰۸۴	۲۰۸۱۶	۶۹۴	۳۳۵۳۹۶	۸۴۵۷۵	۹۱۲۳۷	۲۸۹۲۰	۲۲۰۷۸۶	۳۸۰۹۴	۱۰۱۹۲۲	- گروه ۲ ماده ۲ قانون
۱۱۵۰۰۰	۱۴۵۰۰۰	۷۷۰۰۰	۶۲۰۰۰	۶۵۰۰۰	۴۵۰۰۰	۴۵۰۰۰	۳۲۱۰۰	۳۰۰۰۰	۳۰۰۰۰	- تکالیف بودجه‌ای
۷۰۵۹۱	۹۱۸۵۵	۱۱۷۲۴۴	۸۱۴۴۴	۵۱۷۳۶	۵۳۵۹۶	۳۸۱۱۶	۱۹۴۹۶	۱۵۰۱۵	۶۲۸۸	- عملکرد

منبع: داده‌های گزارش شده دفتر مدلسازی و مدیریت اطلاعات اقتصادی وزارت اقتصاد و دارایی

مطابق آمار منتشرشده در زمینه خصوصی‌سازی در ایران، نسبت ارزش سهام واگذار شده به بخش خصوصی در طول برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۹-۱۳۸۴) به کل ارزش واگذاری‌های انجام شده به بخش خصوصی در طول برنامه‌های توسعه اول تا سوم توسعه، معادل ۹۰/۴ درصد بوده است. به عبارت دیگر، کل ارزش واگذاری‌های انجام شده به بخش خصوصی در طول برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه، مبلغ ۲۹۳۶۹۴ میلیارد ریال بوده است و ارزش سهام واگذار شده به بخش خصوصی در طول برنامه چهارم توسعه، مبلغ ۲۶۵۵۲۰ میلیارد ریال بوده است. همچنین مطابق آمار یاد شده، میزان ارزش سهام واگذارشده در قالب سهام عدالت طی این دوره مبلغ ۳۴۲۱۰۸ میلیارد ریال و بابت رد دیون مبلغ ۱۸۳۶۱۰ میلیارد ریال بوده است.

۳- چالش‌های فراروی تحقق اهداف سند چشم‌انداز

یکی از مهم‌ترین اصول برنامه‌ریزی در برنامه‌های مختلف توسعه، توجه به چالش‌های موجود و آتی جامعه است. در تدوین سند چشم‌انداز ۲۰ ساله باید به نحوی برای حل چالش‌ها تمهیداتی فراهم شود، تا ادامه آن با چالش مواجه نشود. اقتصاد ایران علی‌رغم دارا بودن ظرفیت‌های قابل توجه، با چالش‌های گوناگونی روبه‌رو است که در ذیل به برخی از این چالش‌ها اشاره می‌شود:

۱. تعامل ضعیف با اقتصاد جهانی

نگاهی به وضعیت ایران در چند دهه اخیر به ویژه در سال‌های پس از انقلاب بیانگر کاهش سهم ایران در تجارت جهانی کالاها و سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی بوده است. همچنین، ناچیز بودن سهم

ایران در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از جمله محدودیت‌های موجود در این زمینه است که باید در یک تعامل معنادار و خلاق، مبتنی بر درک و تفاهم متقابل «دو سویه و چند سویه» چالش‌های این حوزه را به فرصت تبدیل نمود.

۲. آتکا به صادرات نفت خام و فراورده‌های نفتی

اقتصاد ایران از چند جهت در برخورد با مسئله نفت با چالش مواجه است: اول اینکه، ساختار و برنامه‌ریزی صنعت نفت کشور، ساختار برون‌گرایی برنامه‌ریزی است و بومی نشده است. به عبارت دیگر، توسعه صنعت نفت عمدتاً در راستای تأمین تقاضای بین‌المللی صورت گرفته است. از این‌رو، این صنعت نتوانسته با دیگر بخش‌های اقتصاد ملی و پیکره آن تعامل لازم را برقرار نماید. دوم اینکه، نگرش ما به نفت نگرش اقتصادی و استراتژیکی نبوده است و سوم، نوع نگاه به نفت تاکنون به عنوان یک منبع درآمد بوده است و هرگز به عنوان منبع ثروت بدان نگریسته نشده است.

سایر چالش‌های اقتصادی سند چشم‌انداز عبارتند از:

الف - نازل بودن سطح درآمد سرانه و پایین بودن میزان رشد اقتصادی طی دو دهه گذشته، که به طور متوسط ۳/۹ درصد بوده است؛ ب - عدم شکل‌گیری بنیان‌های تولید مبتنی بر اقتصاد دانش‌بنیان در راستای دستیابی به رشد مستمر اقتصادی؛ پ - پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید و عدم توجه جدی به نقش بهره‌وری در توسعه پایدار؛ ت - بالا بودن جمعیت بیکار، ساختار نامتعادل بیکاری معطوف به جوانان و زنان؛ ث - ساختار انحصاری فعالیت‌های تصدی‌گری دولت و اندازه غیر بهینه دولت؛ ج - توسعه نامتوازن منطقه‌ای و عدم استفاده از ظرفیت‌های بالقوه مناطق؛ چ - ناکارآمدی نظام اداری و اجرایی کشور و بزرگ شدن اندازه دولت و آتکا به ساختارهای انگیزشی غیر مؤثر و تفکر غیرعلمی در اداره امور.

۴- فرصت‌ها و الزامات فراروی تحقق اهداف سند چشم‌انداز

در خصوص فرصت‌های فراروی تحقق اهداف سند به طور اجمال می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف - بهره‌مندی از نیروی کار ماهر، جوان، خلاق، تحصیل‌کرده و هوشمند؛ ب - استقلال سیاسی کشور؛ پ - دسترسی به بازارهای منطقه‌ای و جهانی و امکان نقش‌آفرینی منطقه‌ای؛ ت - ذخایر ارزشمند نفت و گاز و منابع طبیعی دیگر. همچنین، اهمیت منطقه خلیج فارس از نظر جغرافیای اقتصادی و جغرافیای سیاسی به دلیل وجود ذخایر عمده انرژی جهان در این منطقه، یک امتیاز اساسی برای کشورهای این حوزه محسوب می‌شود و از این طریق می‌توان فرصت مشارکت فعال در نظم نوین اقتصادی و تقسیم بین‌المللی تولید و تجارت به کشورهای این حوزه را فراهم کرد. حوزه نفتی دریای خزر نیز از ابعاد مشابهی قابل تعمق است.

بنابراین، تحقق اهداف سند چشم‌انداز نیازمند پیش‌بینی الزامات آن است تا بتوان با تمهیدات لازم، الزامات مورد نیاز را فراهم نمود. این الزامات باید بر مبنای نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در محیط افراد جامعه پیش‌بینی و تبیین گردد. این الزامات به طور اجمال عبارتند از:

الف- شکل‌گیری اجماع عام در سطح سیاستگذاری - برنامه‌ریزی و از همه مهم‌تر، در ذهن آحاد جامعه است، به گونه‌ای که یک اراده معطوف به پیشرفت در کلیت جامعه ایجاد شود و با به وجود آوردن یک تحول فرهنگی مثبت، بستر زاینده‌ای در کشور ایجاد شود. به عبارت دیگر، باید یک باور عمومی در مورد چشم‌انداز در جامعه به وجود آید. تضمین آینده‌ای معقول و انسانی برای مجموعه ملی تنها از طریق نیل به توسعه فراگیر و بلندمدت ممکن و میسر است که به نوبه خود نیازمدن اجماع ملی پیرامون اهداف توسعه و نیز راهبرد لازم برای تحقق آن است.

ب- مهندسی مجدد ساختار اقتصادی کشور؛

پ- ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید؛

ت- ظرفیت‌سازی و توانمندسازی جامعه، با تکیه بر علوم و فناوری نوین؛

ث- ایجاد ساختارهای انگیزشی مناسب فردی و اجتماعی برای شکل‌گیری رشد پایدار و تحقق اهداف امنیت انسانی؛

ج- نظام دولتی منعطف و توانمند نسبت به الزام‌های رشد و توسعه همه‌جانبه در فضاهای ملی و بین‌المللی؛

چ- گسترش فرهنگ توسعه‌ای مشتمل بر قبول ارزش‌های ذاتی کار و تولید و نهادینه شدن تقدم اهداف مملکتی بر اهداف فردی و گروهی؛

ح- تحول در ساختارها و نگرش‌ها؛

در نهایت، الزام نهایی سند چشم‌انداز را باید این‌چنین بیان داشت که «حاکمیت باید مجهز به بافت فکری شفاف و منسجم و اجماع در نظر و ثابت در عمل گردد». تنها فرهنگ، تفکر و ایده‌ای که بتواند انرژی‌های پراکنده در سطوح و لایه‌های اقشار و طبقات اجتماعی را بر حول محور توسعه متمرکز کرده و توسعه را به یک تصمیم جمعی نهایی بدل کند فرهنگ و تفکر دینی است؛ زیرا آموزه‌های دینی در بردارنده وحدت و انسجام و اراده جمعی است.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاستی

نیل به اهداف سند چشم‌انداز به عنوان پیش‌نیازهای ضروری الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در پرتو تدبیر، تلاش و انسجام ملی قابل حصول است. بنابراین، برای دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز و کاهش فاصله‌های موجود و هدف‌گذاری شده، نیازمند الزاماتی در سطح سیاست‌گذاری‌ها است. عملکرد ۱۰ ساله اقتصاد ایران، در بسیاری از شاخص‌ها دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز را بسیار دشوار کرده است. بر این اساس، توصیه می‌شود نه تنها سیاست‌ها و برنامه‌ها در مسیر سند چشم‌انداز باشد، بلکه نیازمند توجه به نهادسازی و تنظیم قوانین و مقررات ایجادکننده ثبات اقتصادی، توجه اساسی به منابع رشد به ویژه بهره‌وری کل عوامل تولید و به کارگیری از ظرفیت موجود اقتصاد ایران، توجه اساسی به منابع انسانی، گسترش تحقیق و توسعه و انتقال فناوری نوین و کارآمد، تشویق و هدایت منابع پس‌اندازی به سرمایه‌گذاری‌های مولد و توسعه بخش مالی در اقتصاد ایران و بهبود محیط کسب

و کار و افزایش درجه رقابت‌پذیری اقتصاد به منظور توانمندسازی بخش خصوصی و توسعه مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد، افزایش درجه همگرایی اقتصادی و تجاری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی و بین‌المللی و افزایش اندازه تجارت و تولید کالا و خدمات در سطح گسترده‌تر از جغرافیایی ملی است.

بنابراین، هر چند سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران افقی روشن را برای جامعه ایرانی به تصویر می‌کشد که در خور توانایی‌های بالقوه و شأن هویتی آن می‌باشد، اما در نگاهی علمی، این مهم میسر نخواهد شد مگر در پرتو الگوهای کارآمد، اثر بخش و هدایت‌کننده‌ای که ناظر بر هویت و فرهنگ ایران اسلامی باشد. با این حال مطالعه و ارزیابی دقیق متدولوژی و نتایج برنامه‌های پیشرفت کشور و نیز تحلیل دستاوردهای برنامه‌های توسعه دیگر کشورها در سطح منطقه‌ای و حتی جهانی در بر گیرنده نکات مثبت و منفی متعددی است که لازم است جهت تحقق فرهنگ و هویت اسلام و انقلاب دقیقاً مورد اعتنا واقع گردند تا سرنوشت سند چشم‌انداز که امید بخش آینده روشن ایران و الهام بخش جهان اسلام است، به واسطه الگوهای التقاطی و غیر اسلامی دستخوش تجربه‌ای مشابه نگردد. بر این اساس، برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت لازم است واقع‌نگری و آرمان‌گرایی را توأمان در نظر گرفت تا از یک سو واقعیات جهان همچون تمایز بین جهانی‌سازی به مفهوم هژمونی آمریکایی و جهانی شدن به عنوان یک ضرورت تاریخی درک گردد و از دیگر سو آرمان‌های انقلاب اسلامی همچون اقامه قسط و توسعه آزادی‌های مشروع تضمین گردد و موج بیداری اسلامی در چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کشور صرفاً به عنوان یک ابزار سیاسی- تبلیغاتی نگریسته نشود.

این الگوی مفهومی باید قابلیت ایجاد فرآیندی را داشته باشد که در طی آن جهان‌بینی علمی حاکم بر فنون و استراتژی‌های توسعه‌یافتگی با پارادایم‌ها و متاپارادایم اسلامی و ایرانی در تعامل سازنده قرار گیرد به گونه‌ای که از یک سو فرد و جامعه بتوانند حداکثر دستاوردها و تجارب علمی بشر را طی فرآیند پیشرفت نهادینه نمایند و از دیگر سو فرآیند به گونه‌ای عمل نماید که هویت و فرهنگ ایرانی و اسلامی نه به عنوان یک مانع پیشرفت تلقی گردد و نه قربانی استراتژی‌های منفعلانه توسعه گردد. فرآیند این مدل باید هوشمندانه فضایی واقع بینانه را ایجاد کند که در آن آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها و ویژگی انقلابی در تعامل با هژمونی آمریکایی و فرآیند جهانی‌سازی آن اراده‌ی ملی و بین‌المللی را به سمت هژمونی منطقه‌ای ایران که منطبق با اهداف سند چشم‌انداز است هدایت نماید.

منابع و مأخذ

- داده‌های گزارش شده دفتر مدلسازی و مدیریت اطلاعات اقتصادی وزارت اقتصاد و دارایی (www.mefa.ir).
- دانش جعفری، داوود، شقاقی شهری، وحید و همکاران (۱۳۹۳). اقتصاد ایران در افق ۱۴۰۴، انتشارات نورعلم، جلد اول.

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

- سند چشم‌انداز ۲۰ ساله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- شقاقی شهری، وحید (۱۳۹۶). ارزیابی وضعیت اقتصادی ایران در سند چشم‌انداز، فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، سال هشتم، شماره ۳۰: ۱-۲۹.
- صادقی شاهدانی، مهدی، میسمی، حسین، قاجانی معمار، احسان، قائمی اصل، مهدی (۱۳۸۹). درس‌هایی برای سند چشم‌انداز: تحلیل روند برخی متغیرهای کلان اقتصادی ایران در دوره اخیر در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه، راهبرد یاس، شماره ۲۲: ۱۰۲-۱۲۷.
- قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.
- شرکت گروه مشاوران مدیریت و مطالعات راهبردی تدبیر (۱۳۹۶)، مروری بر سند چشم‌انداز کشورهای رقیب (ترکیه، عربستان و امارات).
- معاونت پژوهش‌های اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۹۴). بررسی سند و شاخص‌های زمینه‌ساز چشم‌انداز اقتصادی ترکیه (۲۰۲۳) و ایران (۲۰۱۵).
- Human Development Report (۲۰۱۷).
- The Global Competitiveness Report (۲۰۱۷).
- www.Doingbusiness.org
- World Bank data Base (۲۰۱۷).